

طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی، یک مطالعه کیفی

سمیرا تیغ‌بخش^{۱*}، زهره سعادت‌مند^۲ و نرگس کشتی‌آرای^۲
تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۵ صص ۲۷۰-۲۳۹ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی، یک مطالعه کیفی انجام گرفت. این پژوهش با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی به واکاوی متون و پژوهش‌های بین‌المللی در ارتباط با آموزش صلح پرداخته است. از منابع چاپی و الکترونیکی در دسترس مبتنی بر اهداف و سؤالات پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات نیز استفاده شده است و تجزیه و تحلیل اطلاعات با به‌کارگیری نظام مقوله‌ای قیاسی انجام گرفت. نتایج در چهار عنصر اصلی اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، تکنیک‌های ارزشیابی و مؤلفه‌های آموزش صلح شامل دانش صلح، نگرش صلح و توانش صلح به دست آمد. سپس پایایی این طراحی برای دوره ابتدایی توسط متخصصین مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش حاضر به عنوان یک مدل طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح برای کلیه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور این امکان را فراهم می‌نماید که با یک زاویه دید جدید به بازنگری جدی در عناصر برنامه‌های درسی کشور در دوره ابتدایی بپردازند و مدارس نیز می‌توانند با استفاده از آن برنامه‌ای مبتنی بر انتقال ارزش‌های جهانی، رفتارهای پایدار و ایجاد مهارت‌ها بسازند که دانش‌آموزان ما، را قادر خواهد ساخت به شهروندان فعال جهانی تبدیل شوند و این درک و فهم می‌تواند راهنمای آن‌ها برای تحقق انسانیت، صلح و آرامش در جهان باشد.

کلید واژه‌ها: آموزش جهانی، آموزش صلح، تحلیل محتوای قیاسی، دوره ابتدایی، طراحی برنامه درسی.

^۱ دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاداسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

^۲ دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان، دانشگاه آزاداسلامی، اصفهان، ایران

* نویسنده مسئول: Samiratighbakhsh@yahoo.com

مقدمه

هزاره جدید در شرایطی آغاز شده است که جامعه جهانی همچنان با چالش‌هایی جدی در زمینه دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی روبه‌رو است. موارد متعدد نقض حقوق بشر موجب شده است که دولت‌ها در جهان به فکر یافتن راه‌حلی به منظور جلوگیری از وقوع چنین پیشامدهایی باشند. بر این اساس کنفرانس ۱۹۹۳ وین در راستای اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی آموزش حقوق بشر، تعلیم و آگاهی دادن در این زمینه برای تقویت تفاهم مشترک، بردباری و صلح بین جوامع را ضروری دانسته است تا از این طریق موجب افزایش آگاهی جهانی از حقوق بشر و تقویت فرهنگ جهانی حقوق بشر شود و زمینه‌ساز و مبنای تحقق صلح و امنیت در جهان گردد (christie, 2010).

بنابراین می‌توان گفت که صلح از قدیمی‌ترین آرمان‌های بشری است و برقراری صلح در جهان ارتباط مستقیمی با حقوق بشر دارد و نمی‌توان بدون رعایت حقوق بشر به صلح واقعی و پایدار دست یافت. از صلح تعاریف مختلفی ارائه شده است. یکی از تعاریف رایج آن، این است که صلح مساوی است با فقدان جنگ. اما امروزه با دید وسیع‌تر و همه‌جانبه‌تری به موضوع نگریسته می‌شود و آن اینکه صلح تنها به معنای فقدان جنگ نیست بلکه شامل مواردی نظیر امنیت اقتصادی، امنیت زیست محیطی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی و امنیت نظامی نیز می‌شود. از این‌رو نقش ویژه آموزش صلح در تأمل مجدد در برنامه‌ریزی درسی در سطح مدارس به ویژه مدارس ابتدایی و پیش‌دبستانی که سرآغاز آموزش است، بیش از پیش هویدا شده و به وجود یک محتوای آموزشی مناسب که دستیابی به یک زندگی متعادل سازگار با حقوق بشر و صلح را مهیا سازد و نسبت به چالش‌های جامعه جهانی حساس باشد، تأکید می‌کند. از این‌رو ضرورت دارد جامعه آموزشی از نقش و مسئولیت‌های خود در قبال هدایت نسل جدید برای حل مشکلات این جهان پر از خشونت آگاه گردد (Bayer & Staley, 2003).

تنها این جامعه می‌تواند دانش‌ها، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و توانایی‌هایی را تعلیم دهد و از طریق تمرین‌های روزانه مفاهیم عدالت اجتماعی را که برای برقراری صلح در جهان لازم است، اجرا نماید (Unesco, 2010).

به عبارت دیگر اهداف آموزش صلح می‌تواند برحسب نتایجی که از آن انتظار می‌رود، به دقت تعریف شود در این راستا آموزش صلح ارتقای بینش جهانی از نوع هوشیاری و آگاهی اصیل است که همه ما را قادر می‌سازد تا به عنوان یک شهروند جهانی رفتار نماییم و شرایط موجود را از طریق تغییردادن ساختار اجتماعی و الگوی تفکری که بر وضع موجود حاکم است متحول سازیم از این‌رو بینش و تمایل به تغییر در قلب آموزش صلح قرار دارد (Reardon, 2000, P20).

اگرچه امروزه بسیاری از فعالیتهای آموزشی در جهت برقراری صلح، مناسب و خوب جلوه می‌کنند اما فقدان پیوستگی نظری و تعاریف فلسفی در مورد اهداف، موضوعات، شیوه‌ها و ارزشیابی قابل مشاهده هستند (Hendrickson, 1999).

با دقت نظر در برنامه درسی مدارس دوره ابتدایی جهان مشاهده می‌شود که همراه با فرآیند جهانی شدن، آموزش‌هایی با هدف آگاه ساختن از مسائل عمده جهانی، از قبیل توسعه پایدار، حقوق بشر، صلح و امنیت محیط آغاز شده است و «آموزش صلح» در اکثر کشورهای دنیا به عنوان یک آموزش مدون مطرح شده و در تمامی برنامه‌های درسی رخنه نموده است. شواهد و مطالعات نشان می‌دهد که فهرست اهداف برنامه‌های صلح در اکثر کشورهای جهان کم و بیش مشابه است. با این همه در کشورهای مختلف جهت‌گیری‌های گوناگونی درباره اصول متون و روش‌های آموزش صلح وجود دارد (Sunds, 1993, P68).

در صورتی که این ارزیابی را از برنامه درسی دوره ابتدایی ایران داشته باشیم، متوجه می‌شویم که با وجود توسعه کمی و کیفی آموزش‌ها طی سال‌های اخیر هنوز این اهداف ذکر شده، به خوبی محقق نشده است علت این امر از یک سو فقدان برنامه درسی تحت عنوان آموزش صلح یا عناوین مشابه می‌باشد و از سوی دیگر مطالعه مستقلی در خصوص مفاهیم و مضامین که بتواند در زمینه صلح به دانش‌آموزان ایرانی آموزش داده شود، در دسترس نمی‌باشد با عنایت به مراتب فوق و نقش ویژه آموزش صلح در جریان تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در فرایند جهانی شدن دریافت بازخورد حاصل از اجرای فعالیتهای آموزشی در زمینه صلح از طریق معلمان، متخصصان و کارشناسان برنامه درسی ضروری به نظر می‌رسد و این نظریه به معنای درکی عمیق از برنامه درسی است که کاربرد آن را در عمل به دیگران وا می‌گذارد و به دنبال درک عوامل مؤثر بر تغییر یا اصلاح برنامه درسی می‌باشد و از این طریق می‌تواند برنامه درسی را به سایر امور ربط دهد. (تبیین پدیده برنامه درسی) و این علامتی از نوع بازگشت و تغییر مأموریت در توسعه برنامه درسی است (Eslami, 2009, P53).

از این رو پژوهش حاضر طرح مسئله‌ای در جهت ایجاد آگاهی در مورد مطالبی است که به نظر می‌رسد در برنامه درسی به آن بی‌اعتنایی شده است و هنوز پاسخ علمی و مناسبی در مورد آن‌ها ارائه نشده است. از طرفی بررسی پیشینه تحقیقات نشان‌دهنده آن است که با توجه به تغییرات کتب درسی در دوره ابتدایی در سال‌های اخیر پژوهش مرتبگی انجام نگرفته و عمده پژوهش‌ها مربوط به سال‌های قبل است که فقط تا حدودی به شناسایی مؤلفه‌های آموزش صلح پرداخته‌اند و در زمینه طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح به طور دقیق و قطعی می‌توان گفت که هیچ پژوهش مرتبگی تا به امروز در ایران صورت نگرفته است. لذا پژوهش حاضر درصدد است تا به طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی و تدوین اهداف، محتوا، راهبردهای

یاددهی - یادگیری و تکنیک‌های ارزشیابی پیشرفت یادگیری فراگیر در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح اقدام نماید از آن بابت که بتواند تصویر حقیقی از کم و کیف وضعیت موجود به دست دهد و راهکارهای‌های لازم را برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران طراحی برنامه‌های درسی جهت تدوین برنامه‌های درسی و پوشش‌دادن حیطه‌ها و برنامه‌های درسی معقول فراهم آورد.

تحقیقات انجام گرفته در داخل کشور

Hakimzadeh (2009) در پژوهشی که با عنوان تحلیل محتوای کتاب‌های درسی با توجه به مسائل و مباحث روز جهانی در حوزه برنامه‌های درسی انجام داده است به تحلیل محتوای کتاب‌های درسی با توجه به مفاهیم کلیدی برنامه آموزش جهانی پرداخته است و موارد موردنظر در این تحلیل محتوا شامل مفاهیم و مضامین مطرح در رویکردهای جدید برنامه‌های درسی با توجه به اقتضات عصر جدید، از جمله جهانی شدن، گسترش روزافزون مرزهای دانش و ارتباط و به هم پیوستگی هرچه بیشتر مردم جهان را مدنظر قرار داده است و این موارد خود شامل آموزش توسعه، آموزش محیطی، آموزش حقوق بشر، آموزش صلح، آموزش برابری، آموزش سلامت، آموزش چند فرهنگی، آموزش رسانه‌ها و فناوری اطلاعات است و این مفاهیم را در برنامه‌های تربیتی، سازمان بین‌المللی مانند یونسکو و یونیسف نیز دنبال می‌کند. یکی از برنامه‌ها با عنوان «آموزش جهانی یا آموزش همه جانبه» در تعدادی از کشورهای جهان، از جمله جمهوری اسلامی ایران، به صورت آزمایشی اجرا شده است. نتایج حاصل از تحلیل محتوا نشان می‌دهد در حالی که به آموزش محیطی و آموزش چندفرهنگی بیش از حد انتظار و آموزش شهروندی و توسعه در حد انتظار پرداخته شده، به آموزش سلامت، آموزش برابری، صلح، حقوق بشر، آموزش رسانه‌ها و فناوری اطلاعات کمتر از حد انتظار توجه شده است. در درون هر مفهوم نیز مؤلفه‌های متعدد، به صورت متوازن مورد توجه قرار نگرفته و به برخی مؤلفه‌ها بیشتر و به برخی کمتر از حد انتظار توجه شده است.

Eslami (2010) پژوهشی را با عنوان بررسی میزان توجه به آموزش صلح در برنامه درسی دوره ابتدایی از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه‌ریزی درسی و معلمان شهر تهران انجام داد که دو مسئله را بررسی می‌کرد که این دو مسئله عبارتند از: شناسایی مفاهیم و مؤلفه‌های آموزش صلح و میزان توجه به این مفاهیم و مؤلفه‌ها در برنامه‌های درسی مدارس. روش تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که معلمان و متخصصان تعلیم و تربیت و کارشناسان برنامه‌ریزی درسی با آموزش مفاهیم و مؤلفه‌های مطروحه آموزش صلح در حد بسیار و نسبتاً زیاد موافق می‌باشند و بین نظرات آن‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد.

Shekari & Hajirashidi (2010) به بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق بشر در برنامه درسی ایران پرداختند و نتایج حاکی از آن است که دانش‌آموزان، معلمان و کارشناسان موافق آموزش مفاهیم مطرحه حقوق بشر در سه حیطه دانش، نگرش و توانش می‌باشند اما میزان توجه به مفاهیم و مؤلفه‌های حقوق بشر در حیطه‌ی طراحی برنامه درسی بسیار کم ارزیابی شده است.

Fallahnodehi (2010) در پژوهشی با عنوان بررسی مؤلفه‌های آموزش صلح یونسکو در اسناد و مدارک جمهوری اسلامی ایران 2006-2008 سند چشم‌انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، مؤلفه‌های هفت‌گانه آموزش صلح را که عبارتند از حقوق بشر و دموکراسی، تعاون و همبستگی، حفظ فرهنگ‌ها، خود و دیگران، جهان وطنی، حفاظت محیط زیست و معنویت را در کتاب‌های درسی مورد بررسی قرار دادند و به این نتایج دست یافتند که بیش‌ترین فراوانی مربوط به مؤلفه خود و دیگران و کم‌ترین فراوانی مربوط به مؤلفه‌های انترناسیونالیسم و حفاظت از محیط زیست می‌باشد.

Hashemi (2010) در پژوهشی با عنوان تحلیل محتوای کتاب‌های درسی بر اساس مؤلفه آموزش صلح به این نتیجه دست یافت که جهت‌گیری اصلی کتاب‌های درسی در ارتباط با آموزش صلح بر حفظ انسجام ملی و تمامیت ارضی کشور، شناسایی دشمن، آشنا ساختن یادگیرندگان با سیاست‌های استعماری کشورهای قدرتمند غربی، عدم توازن قدرت و مبادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها در سطح بین‌المللی و مقابله با فتنه و تهاجم دشمنان می‌باشد.

Cheraghi (2011) در مقدمه پژوهش خود با عنوان اولین گام برای آموزش حقوق بشر که به سفارش دبیرخانه‌ی پروژه آموزش حقوق بشر وزارت آموزش و پرورش انجام شده است در مورد اهمیت آموزش حقوق بشر می‌نویسد: آموزش حقوق بشر کمک به مردم برای رشد و تعالی و رسیدن به نقطه‌ای است که حقوق بشر را درک و احساس کنند که این حقوق مهم هستند و باید به آن‌ها احترام گذاشت و از آن‌ها دفاع کرد.

Derani (2011) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر مدرسه آینده در آینده‌نگری نظم نوین جهانی یکی از ویژگی‌های برجسته دوران حاضر را تغییرات پرشتاب و گریزناپذیر در همه عرصه‌های زندگی می‌داند درانی در این پژوهش به این نتیجه رسیده است که نظام آموزش و پرورش به منزله مؤلفه‌ای از دهکده جهانی باید همسو با حرکت جهانی شدن، خود را مهیای آماده سازی این انسان‌ها برای زیستن در دنیای امروز و آینده نماید به گونه‌ای که در محتوای کتب درسی مفاهیمی همراه با عدالت، مشارکت اجتماعی، صلح و عدم خشونت ارائه گردد.

Gholtash (2011) در پژوهشی به بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های آموزش حقوق بشر در کتاب‌های درسی پرداخت. نتایج نشان داد که در کتب درسی ۱۹/۲۳ درصد به بعد شناختی، ۷/۳۴ درصد به بعد عاطفی و ۱۰/۵۶ درصد به بعد عملکردی حقوق بشر توجه شده است.

Adamzadeh (2012) در پژوهشی با عنوان تأثیر جهانی شدن بر تعلیم و تربیت بیان می‌کند که امروزه بیش از گذشته ناگزیر هستیم که به جهان و مسائل آن بیندیشیم، جهانی شدن واقعیتی انکارناپذیر است که نه فقط در حوزه اقتصاد وارد شده است بلکه جوانب زندگی دیگر بشر از جمله تعلیم و تربیت را نیز دستخوش تغییر کرده است و یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ضروری است صحیح‌ترین شیوه و راه برخورد با آن را که به نظر می‌رسد برای آموزش و پرورش صحیح و مناسب باشد را برگزید چرا که آموزش و پرورش نقش مهمی در متحول ساختن جهان دارد و آموزش و پرورش جهانی باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و دانش‌آموزان را که آینده-سازان کشور هستند با مفاهیم عدالت، حقوق بشر، صلح بیش از پیش آشنا سازد و این امر ممکن نیست مگر آن‌که در محتوای برنامه‌ها و کتب درسی آن‌ها این مفاهیم گنجانده شود.

Tighbakhsh (2012) در پژوهشی به بررسی تحلیل محتوای برنامه‌های درسی بر مبنای مؤلفه‌های پدیده جهانی شدن پرداخت. مؤلفه‌های پژوهش شامل آموزش شهروندی، آموزش چند فرهنگی، آموزش صلح، آموزش محیط زیست و آموزش سلامت بودند. روش مورد استفاده در تحلیل محتوای پژوهش آنتروپی شانون و واحد تحلیل نیز صفحات (متن، پرسش‌ها، تمرین‌ها و تصاویر) بود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که به هر چهار مؤلفه آموزش جهانی یعنی آموزش شهروندی (۰/۲۲۷) و آموزش سلامت (۰/۲۲۶)، آموزش چند فرهنگی (۰/۲۰۵) و آموزش صلح (۰/۲۰۵) به یک نسبت پرداخته شده بود و این در حالی بود که به مؤلفه آموزش محیط زیست (۰/۱۳۵) در حد کم پرداخته شده بود و نیز به شاخص‌های حس همبستگی، احساس مسئولیت در برابر دیگران، فرهنگ گذشت و بخشش، اهمیت صلح در زندگی انسان‌ها و میزان توجه به آسیب‌های جنگ به ترتیب ضریب اهمیت توجه شده بود.

Zekavati (2012) در پژوهش خود با عنوان آموزش صلح به متمم پیشنهاد یونسکو در مورد به رسمیت شناختن آموزش صلح در حکم اصلی فراگیر در آموزش اشاره کرده و نوشته است: هدف آموزش صلح پرورش انسانی است که بتواند منتقدانه فکر کند و بر اساس دیدگاه انسان دوستانه ی خود نسبت به زندگی برای خلق دنیایی عادلانه با دیگران همکاری کند در این زمینه او عقیده دارد آموزش چهار مسئله اصلی جهانی یعنی انقلاب فناوری، محیط زیست، اطلاعات، ارتباطات، صلح و تبیین ارتباط آن‌ها با یکدیگر تا حد زیادی در کاهش احتمال جنگ مؤثر است.

Saed (2012) در پژوهش خود با عنوان حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی به نقل از سازمان ملل در بیانیه ۱۹۸۹ ریشه‌های آموزش جهانی را در جریان‌های تربیتی نظیر آموزش برای صلح جستجو نموده است که سازمان ملل در بیانیه ۱۹۸۹ آموزش ابتدایی را توصیه نموده و برنامه‌ای را برای تربیت پایه بررسی کرده است که شامل مواردی چون: تربیت حقوق بشر، تربیت صلح، تربیت

چند فرهنگی و بین فرهنگی، تربیت محیطی می‌باشد که باید برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی این موارد را مدنظر قرار داده و این موارد را نیز در برنامه‌های درسی مدارس بگنجانند.

Mazarei & Shadfar (2013) در پژوهشی با عنوان بررسی آموزش و یادگیری در عصر جهانی شدن به مفهوم و پیشینه جهانی شدن و چرایی و ابعاد جهانی شدن پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند تا رسالت آموزش و پرورش، مشکلات و مسائل مربوط به آن را در برابر پدیده جهانی شدن بررسی کنند و نتایج حاصل از تحقیق نشان داده است که: آموزش و یادگیری مادام‌العمر و نیز مشارکت در آن، به عنوان بخشی از راهکارهای مواجهه با مسأله آموزش در عصر جهانی شدن و ایجاد جهانی به دور از خشونت همراه با صلح، آزادی و عدالت اجتماعی است.

Abedini (2014) در پژوهشی با عنوان بررسی مؤلفه‌های آموزش صلح در کتب درسی دوره ابتدایی، مؤلفه‌های آموزش صلح شامل: حس همبستگی، فرهنگ گذشت و بخشش، احساس مسئولیت در برابر دیگران، شناخت تنوع و تفاوت‌های فردی، نفی تمایزات قومی، نژادی، مذهبی و دوست داشتن دیگران را مورد بررسی قرار داده است، روش مورد استفاده در تحلیل محتوا آنتروپی شانون بوده و یافته‌های پژوهشی نشان داده است که بیش‌ترین فراوانی و ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حس همبستگی و کم‌ترین فراوانی مربوط به مؤلفه نفی تمایزات قومی، نژادی و مذهبی می‌باشد.

Aliaskari (2014) در پژوهشی با عنوان جایگاه مؤلفه‌های حقوق بشر در محتوای کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی ایران به این نتایج دست یافته‌اند که: توجه متعادلی به مؤلفه‌های حقوق بشر نشده و در میان صفحات کتب درسی این دوره بیش‌ترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حقوق اساسی و کمترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد و بیش‌ترین ضریب اهمیت مربوط به خرده مؤلفه حقوق زیست محیطی و کم‌ترین ضریب اهمیت مربوط به خرده مؤلفه‌های حق دادخواهی عادلانه و حق مالکیت می‌باشد.

Mohammadjani (2014) در پژوهشی با عنوان بررسی مؤلفه‌های جهانی شدن در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به ارائه یک مدل مفهومی پرداخت. موارد موردنظر در این تحلیل محتوا شامل آموزش سلامت، آموزش چند فرهنگی، آموزش شهروندی، آموزش صلح و برابری، محیط زیست و آموزش حقوق بشر بوده است. جامعه آماری کتاب‌های دوره ابتدایی و نمونه، کتاب فارسی بخوانیم و کتاب‌کار دوره ابتدایی است که بصورت هدفمند انتخاب شده است. روش پژوهش تحلیل محتوا از نوع کمی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، بیشترین میزان توجه به مؤلفه‌های جهانی شدن در کتاب فارسی سال سوم دبستان و کمترین میزان توجه در محتوای کتاب فارسی سال ششم دبستان می‌باشد.

Zeinalpoor (2016) پژوهشی با عنوان تحلیل محتوای کتب علوم اجتماعی مبتنی بر مفاهیم حقوق بشر انجام داده است، روش مورد استفاده در تحلیل محتوا آنتروپی شانن بوده و یافته‌های پژوهشی نشانگر آن است که در کتب درسی علوم اجتماعی توجه یکسانی به مفاهیم حقوق بشر نشده بود. بیش‌ترین ضریب اهمیت به ترتیب مربوط به مؤلفه‌های تشکیل حکومت و مشارکت در اداره جامعه، آزادی عقیده، حق حیات و حق امنیت اجتماعی بوده و کم‌ترین ضریب اهمیت (در حد صفر) به ترتیب مربوط به مؤلفه‌های آزادی و امنیت شخصی، حق مالکیت، حق آزادی اجتماعی، حق اشتغال به مشاغل عمومی، حقوق اقلیت‌ها، حقوق زنان و حقوق کودکان می‌باشد.

تحقیقات انجام گرفته در خارج کشور

Galtung (1985) در پژوهشی با عنوان صلح به این نتیجه دست یافت که: همانند روان‌شناسی، دانشی که علوم اجتماعی درباره جنگ فراهم آورده بیش از دانشی است که درباره صلح به دست آورده است و توجه به آموزش صلح را به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر گوشزد می‌کند.

Sydiaha (1987) در پژوهشی با عنوان صلح، یک فرآیند نه یک نتیجه، صلح را فرآیندی که به واسطه آن هیچکسی ضرر نمی‌کند و نیز مجموعه‌ای از مهارت‌ها در زمینه برقراری ارتباط و رعایت قواعد اخلاقی می‌داند.

Allaadin (1989) در پژوهشی با عنوان «آموزش برای آگاهی جهانی» به این موضوع پرداخته است که دل مشغولی نسبت به آموزش جهانی در محتوای کتاب‌های درسی نمود می‌یابد و مفاهیمی چون صلح بین‌المللی، اشتراکات جهانی، همکاری مشترک انسان‌ها و مطالعات مربوط به سازمان‌های بین‌المللی، به هم پیوستگی مردم جهان و آگاهی در مورد فرهنگ، آداب و رسوم مردم دیگر را از مواردی بر می‌شمارد که باید در زمینه‌های مسائل جهانی مورد توجه قرار گیرد.

Tucker (2000) در پژوهش خود با عنوان ضرورت آموزش جهانی در پاسخ به این سؤال که آیا اصلاً آموزش جهانی باید باشد یا نه؟ نتیجه‌گیری کرده است که تغییرات اساسی جهانی در راهند و مطمئناً ما در سال‌های آتی شاهد مسائل و مشکلات جهانی مختلفی خواهیم بود به همین دلیل دانش‌آموزان ما باید درباره این مسائل و مشکلات آگاهی داشته باشند و لازمه رسیدن به این آگاهی، آموزش جهانی خواهد بود. هدف آموزش جهانی گسترش درک فرد از دنیایش می‌باشد افرادی که آگاهی جهانی دارند، چند فرهنگی و فراملیتی بودن شرایط انسان‌ها و مفهوم صلح را درک می‌کنند. دروس باید اطلاعات و دانش درباره سایر نقاط جهانی را در بر گرفته تا دانش‌آموزان بتوانند خودشان و روابطشان با سایر مردم، سایر فرهنگ‌ها و مسائل جهانی را بهتر درک نمایند و لازمه رسیدن به این امر دستیابی به دیدگاهی جهانی می‌باشد.

Selby (2000) در پژوهش خود با عنوان آموزش جهانی، مدل چهار وجهی مکان، زمان، درونی و بیرونی مسائل را مدنظر قرار داده و مفاهیم کلیدی برنامه‌های درسی را حول محور و قضایا و مسائل جهانی مطرح کرده است و آن مفاهیم را در جهت پاسخگویی به چالش‌های عصر جدید بیان کرده است و معتقد است که دانش‌آموزان باید با مباحث و قضایای مهم جهانی آشنا و درگیر شوند و مسائلی نظیر توسعه، محیط زیست، برابری نژادی و جنسی، بهداشت، رفع نزاع، صلح. اینگونه مسائل به لحاظ مرحله رشد عقلانی/عاطفی و نیز نیازهای دانش‌آموزان باید به آن‌ها آموزش داده شود. این مسائل به یک درس یا موضوع درسی و کلاس ویژه اختصاص نداشته و در سطوح مختلف و در درس‌های گوناگون می‌توانند جایگزین شوند.

Kirk wood (2001) بیان می‌کند که هانوی ۱۹۷۶ برای رسیدن به فهم دیدگاهی جهانی ابعادی را مطرح می‌کند که دانش‌آموز را برای دستیابی به آگاهی جهانی آماده می‌کند. این ابعاد شامل آگاهی دیدگاهی، آگاهی از وضع کره زمین، آگاهی از فرهنگ‌های مختلف و آگاهی از تغییرات جهانی می‌باشند. برای رسیدن به اولین بعد دانش‌آموزان باید دیدگاه‌های سایر مردم را درک نمایند بعد دوم یعنی آگاهی از وضع کره زمین نیازمند درک شرایط جهان و مسائل جهانی مانند رشد جمعیت، کمبود منابع، عدم صلح، ایجاد خشونت و درگیری‌های داخلی و خارجی می‌باشد و لازم است که دانش‌آموزان از دنیای اطرافشان آگاهی داشته باشند در بعد سوم هانوی معتقد است ارتباط مداوم با فرهنگ‌های دیگر فاصله‌های فرهنگی را کم می‌کند. برای داشتن آگاهی از تغییرات جهانی فرد باید دنیا را به صورت سیستمی به هم مرتبط از مکانیزم‌های پیچیده و نتایج غیرقابل پیش‌بینی بشناسد و آگاهی عمیق دانش‌آموزان از این مسائل ممکن نیست مگر آنکه این موارد در برنامه‌های درسی گنجانده شود.

Tye (2003) در پژوهشی با عنوان جهانی شدن و آموزش جهانی برای تربیت شهروندان جهان به تأکید بر اهمیت بر برنامه‌های درسی جهان‌نگر به مطالعه در مورد برنامه‌های درسی در ۵۲ کشور جهان پرداخت و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به قضایای مشترک جهانی مواردی که بیشتر مورد توجه بوده است شامل: محیط زیست، توسعه، ارتباطات بین فرهنگی، صلح و حقوق بشر، جمعیت، بهداشت (ایدز) و تبعیض نژادی می‌باشد که باید در محتوای کتب درسی لحاظ شود.

Lin (2007) به نقل از بتی راردون (2005) در پژوهشی با عنوان دگرگونی آموزش برای صلح به این نتیجه رسیده است که هدف از آموزش جهانی باید تربیت شهروندانی باشد که بتوانند صلح را در جهان حاکم سازند، ولی نظام‌های آموزشی و مدارس مثلاً نظام آموزشی آمریکا در تربیت شهروندان صلح‌جو کوتاهی نموده و مدارس بیشتر از این که خواهان صلح باشند، بیش‌تر خواهان جنگ و خشونت شده‌اند و از آنجا که آموزش و پرورش عامل مهمی برای ایجاد صلح جهانی می‌باشد. بنابراین آموزش و پرورش در قرن حاضر باید به تدریس فرهنگ صلح برای دانش‌آموزان

تمرکز نماید و لازم است که آموزش و پرورش اهداف خود را در راستای هدف‌های مربوط به آگاهی‌های صلح‌جویانه بر اساس دوست‌داشتن تغییر جهت بدهد.

Macdonald (2007) در پژوهشی با عنوان رویکردهای سنتی به آموزش شهروندی، جهانی شدن به طرف یک چهارچوب برای آموزش صلح اشاره کرده است که آموزش شهروندی در قلمرو مطالعات اجتماعی باید دانش‌آموزان را به نقش‌نگرش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و حالات رفتاری مناسب مجهز کند تا آنان قادر باشند به صورت فعال و آگاهانه با چالش‌های قرن ۲۱ مواجه شوند، محقق نتیجه گرفته است که در چهارچوب چشم‌انداز آموزش صلح جهانی باید پنج موضوع اساسی مورد توجه قرار گیرد و در برنامه‌های درسی در نظر گرفته شود که این موضوعات شامل: درک هویت، حقوق و برخوردها، مسئولیت‌ها، تکالیف و تعهدات، مشارکت و فعالیت امور عمومی و ارزش‌های اجتماعی.

Pearse (2008) در پژوهشی با عنوان «آموزش حقوق بشر» با نگرش جهانی به این موضوع پرداخته است که نکته کلیدی تعریف آموزش حقوق بشر در هدف نهفته است یعنی توسعه فرهنگ حقوق بشر که به روش و محتوای خاصی محدود نمی‌شود یکی از بهترین راه‌های ترویج حقوق بشر و احترام به آزادی‌های اساسی، درونی ساختن و نهادینه کردن ارزش‌ها و اصول حقوق بشر است که به منظور تحقق یافتن آن آموزش حقوق بشر ضروری می‌باشد و اولین مرحله در جهت درک بهتر حقوق بشر، گنجاندن آن در برنامه درسی در سطوح مختلف آموزشی به ویژه دوره ابتدایی می‌باشد.

Triolo (2008) در پژوهشی با عنوان آموزش برای شهروندی جهانی و دیدگاه‌های جهانی در تدریس اذعان می‌دارد که با وجود ارتباطات در جهان کنونی و پدیده‌های مشترک جهانی مانند نازک شدن لایه ازن، فقط تعداد کمی از دانش‌آموزان خود را در دنیای به هم وابسته می‌بینند، به همین جهت این پژوهش آگاه‌سازی معلمان از وجود یک دیدگاه جهانی در برنامه درسی و فهمیدن آن می‌باشد ولی هدف نهایی آن توانمندکردن دانش‌آموزان و درگیرکردن آن‌ها با این مسائل در برنامه‌های درسی می‌باشد تا بتوانند دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها، صلح و عدالت اجتماعی و رفتارهای مطابق با شهروند جهانی را کسب نمایند.

Fujikan (2009) نیز آموزش جهانی را آموزش در راستای مسائل جهانی مانند تغییرات محیط زیست و ایجاد خشونت و درگیری‌های بین فرهنگی دانسته است، همچنین به وارد کردن مسایل جهانی در برنامه درسی اشاره می‌کند تا بدین وسیله شهروندان توانایی پاسخ دادن به مسایل جهانی را داشته باشند در واقع هدف آموزش شهروند جهانی را آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی در جامعه در حال تغییر و ترویج صلح می‌داند.

Marshall (2009) در پژوهشی با عنوان «بازبینی کتاب آموزش جهانی به منظور آگاهی جهانی» به بررسی آموزش صلح می‌پردازد و ابعاد کلیدی شهروند جهانی را وابستگی افراد به

یکدیگر، عدالت اجتماعی و نیز شاخص‌هایی مانند حمایت از تفکر بوم‌شناختی اجتماعی، تنوع فرهنگی و آموزش صلح می‌داند که باید محتوای کتب درسی درباره این مسائل در صورت لزوم مورد بازبینی قرار گیرد.

Wells (2012) به نقل از تسنیم ابراهیم (2010) آموزش جهانی را شامل آموزش صلح یعنی آموزش در راستای همکاری و احترام به فرهنگ‌های متفاوت و دموکراسی می‌داند. لذا به دلایلی می‌توان آن را با تربیت بین‌المللی انسان‌ها ارتباط داد که هدفش همدردی، اهمیت ملاحظه نقطه نظر دیگران، بلوغ در فهم، پذیرش احترام به تفاوت‌ها و سعه‌صدر است.

Acheh (2012) در پژوهش خود با عنوان «برنامه درسی آموزش صلح، برنامه‌ای صحیح» به بررسی مفاهیم حقوق بشر و مسئولیت‌پذیری جوامع درباره انسان‌ها، ما متفاوت هستیم اما مشابه، تضادها، مدیریت متضاد، نقش‌های اجتماعی ما، قوانین قضاوت و احترام، نمودار صلح، صلح اجتماعی، قضاوت اجتماعی، قضاوت‌های اقتصادی، راه‌های سعه‌صدر و عشق به صلح پرداخته است. وی معتقد است که این مسائل باید در برنامه‌های درسی به ویژه دوره ابتدایی مدنظر قرار گیرد.

Brock (2012) به نقل از بتی راردون (2008) کارشناس آموزش صلح آمریکا که بیش از صد راهنمای برنامه درسی در مورد صلح از مقطع پیش‌دبستانی تا دبیرستان را تحلیل نموده است، بیان می‌کند که: بتی راردون در تحقیقات خود به این نتایج دست یافته است که هیچ مرز و روش دقیق و هیچ استانداردی وجود ندارد که مشخص نماید آموزش صلح چه چیزی را در بر می‌گیرد او در تحلیل خود، بر روی نه موضوع در رابطه با آموزش صلح مطالعاتی انجام داد و آموزش موضوعاتی مانند هماهنگی، حل تعارضات، عدم خشونت یا عدم تعارض، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، محیط زیست جهانی و فهم چندفرهنگی را به عنوان اجزا سازنده رفتار معرفی نموده است. او همچنین یکی از اهداف آموزش صلح را توسعه و ارتقای آگاهی‌هایی می‌داند که ما را قادر می‌سازد به عنوان شهروندان جهانی عمل نماییم.

Power & Allison (2012) در پژوهشی با عنوان فهم حقوق بشر معتقدند کتاب‌های درسی باید نقش مهمی در زمینه حقوق بشر، صلح و عدالت ایفا کند آنچه که واضح است کتاب‌های درسی باید بازتاب مسائل اجتماعی و فردی باشد تا دانش‌آموزان در فرآیند نهادینه‌شدن شخصیتشان از وظایف و مسئولیت‌های خود آگاهی می‌یابند.

Unesco (2014) در پژوهشی با عنوان «یادگیری راه‌های صلح، راهنمای معلم برای آموزش صلح» به بررسی مفاهیم آموزش صلح، راه‌های صلح، طراحی برنامه‌ها، تمرین‌هایی که مدارس امکانی برای صلح می‌سازد، مدل‌هایی برای آموزش صلح، کشف فعالیت‌هایی برای یادگیری صلح، یادگیری برای دوست داشتن یکدیگر، ساختمان صلح در جوامع و کشورها، ارزیابی صلح در مدارس، روش‌های صلح و آموزگار صلح می‌پردازد.

International Schools Association (2015) در پژوهش خود با عنوان «آموزش برای صلح» هدف آموزش برای صلح را پرورش شهروندان جهانی فعال با ویژگی‌های زیر می‌داند. آگاهی از وابستگی متقابل انسان‌ها در چارچوب جهانی، مصمم بودن به گسترش صلح، حقوق بشر و دموکراسی، آگاهی از مسئولیت خود در قبال نفس خویش و محیط اجتماعی و فیزیکی خود، داشتن وجدان حساس نسبت به تغییرات فناوری و اجتماعی و پیامدهای احتمالی آن تغییرات، برخورداری از رفتار، استانداردها و عادت‌های کاری که تضمین‌کننده یادگیری در تمام عمر هستند، دارا بودن اعتماد به نفس، استقلال، احترام و نیز تمایل به گرفتن تصمیم‌های عاقلانه و سنجیده.

Jager (2015) در پژوهش خود با عنوان «آموزش صلح و تغییر شکل متضاد» به بررسی مفاهیم پایه مکان یادگیری برای صلح، فرآیندهای یادگیری، مکان یادگیری و تنظیمات یادگیری، صلح به عنوان ارزش جهت‌گیری شده، گروه‌های هدف برای آموزش صلح، نگرش اجتماعی و مفاهیم زمینه-ای برای صلح، آموزش صحیح، اصولی و آموزش صلح ساختاری می‌پردازد.

هدف کلی

طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی.

اهداف جزئی

- شناسایی مؤلفه‌های آموزش صلح در دوره ابتدایی.
- تدوین اهداف برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی.
- تدوین محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی.
- تدوین راهبردهای یاددهی - یادگیری مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی.
- ارائه تکنیک‌های ارزشیابی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی.
- سؤال‌های اساسی تحقیق
- آموزش صلح در دوره ابتدایی چه مؤلفه‌هایی را در بر می‌گیرد؟
- برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چه اهدافی را دنبال می‌کند؟
- برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چه محتوایی را توصیه می‌کند؟
- راهبردهای یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چیست؟
- تکنیک‌های ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چیست؟

روش تحقیق

در پژوهش حاضر برای پاسخ به سؤالات پژوهش و مطابق با اهداف به تحلیل متون موجود در جهان پرداخته شده است. لذا روش تحقیق، کیفی از نوع تحلیل محتوا، نظام مقوله‌بندی قیاسی انتخاب گردیده است. بایستی گفت که پژوهشگر کیفی فقط از یک روش استفاده نمی‌کند بلکه با یک سلسله رویکرد سروکار دارد و این رویکردها بر بازشناسی معناهای ضمنی و نهفته تاریخی و مفهومی در عمل پژوهش تأکید دارد. هر فردی که دست‌کم بخشی از یک پژوهش کیفی را انجام داده باشد، می‌داند که انجام یک پژوهش کیفی خوب مستلزم انجام یک سری از دستورالعمل‌های مختلف درباره روش این پژوهش نیست، بلکه منبع اصلی کسب دانش و شناخت در پژوهش کیفی، درگیری پژوهشگر در فرآیند جستجوی معنا و حقیقت در رابطه با عنوان پژوهش و در واقع تلاش برای شناختی است که بینش‌های جدید و مفیدی را ایجاد می‌کند (Homan, 2010, P50).

از مزایای روش تحلیل محتوای کیفی می‌توان گفت که مطالب موجود در یک متن را باید به شکل مرحله به مرحله مورد تحلیل قرار داد و همچنین باید در این تحلیل از فرآیندهای قانونی پیروی کرده تا بتوان مطالب را در قالب واحدهای تحلیلی مفهومی تقسیم‌بندی کرد. جنبه‌های موجود در تفسیر یک متن و همچنین سؤالات مطرح شده در مورد آن‌ها در قالب دسته‌بندی‌هایی قرار می‌گیرند باید آن‌ها را با دقت فراوان در چارچوب فرآیند آنالیز اصلاح و ویرایش کرد (فلیک، ۱۳۹۲، ترجمه جلیلی، ص ۳۴۷).

مراحلی که در تحلیل محتوای کیفی مدنظر است: تعریف واحد تحلیل (کلمه، جمله، پاراگراف) کاهش داده‌ها، استفاده از مقوله‌بندی، اصلاح نظام مقوله‌بندی و یک طرح‌گذاری (طرح‌های کدگذاری می‌تواند هم به صورت قیاسی و هم استقرایی توسعه یابند) بر اساس داده‌ها، ارائه گزارش از داده‌های کیفی (Mayring, 2006, P3).

در این تحقیق واحد تحلیل «جمله» بوده است. محقق برای پاسخ به سؤالات نیاز به مرور متون مرتبط دارد یعنی برای بررسی آموزش صلح و استخراج مؤلفه‌ها و مقوله‌ها بر اساس آموزش صلح، متون و پژوهش‌های بین‌المللی در ارتباط با موضوع پژوهش به شیوه تحلیل محتوای کیفی مورد مطالعه قرار گرفته، سپس از جمع‌بندی نتایج به دست آمده، برنامه درسی شامل مؤلفه‌های آموزش صلح، اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی تدوین شده است. محقق طراحی عناصر برنامه درسی استخراجی خود را بر اساس الگوگیری از عناصر برنامه درسی کلاین انجام داده است با این تفاوت که کلاین عناصر برنامه درسی را به ۹ دسته اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری فراگیران، روش‌های ارزشیابی، منابع و ابزار یادگیری، زمان، محیط و فضا، گروه‌بندی فراگیران و بالاخره راهبردهای تدریس تقسیم‌بندی می‌نماید، اما محقق از بین این عناصر نه‌گانه کلاین برنامه

درسی خود را در قالب چهار عنصر اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری و تکنیک‌های ارزشیابی که از مهم‌ترین عناصر و همچنین مراحل یک برنامه درسی در کلیه تقسیم‌بندی‌ها می‌باشد، طراحی نموده است.

حوزه پژوهش

در این مطالعه (تحلیل محتوای کیفی) حوزه پژوهش شامل کلیه کتب و منابع پیرامون مباحث آموزش صلح، مقالات، منابع علمی، پایگاه‌های اطلاعات علمی و تحقیقات کارشناسان و متخصصان بوده است. روش نمونه‌گیری هدفمند بوده و جهت نمونه‌گیری به علت کثرت منابع در این حوزه از مکتوبات چاپی و دیجیتالی در دسترس، مهم‌ترین موتورهای جستجوگر البته با کلید واژه‌های اصلی جستجوی منابع بر اساس اهداف و سؤالات تحقیق بوده است و بر اساس دیدگاه پاتون در تحقیق کیفی شیوه ایده‌آل نمونه‌گیری این است که تا رسیدن به مورد زاید یعنی مواردی که پس از آن اطلاعات جدیدی به دست نمی‌آید به انتخاب ادامه دهیم در این پژوهش با انتخاب مورد به مورد و کسب داده‌ها تا جایی که داده‌ها تکرار شد و اطلاعات جدیدی به دست نیامد و فقط یافته‌های قبلی را تأیید می‌کرد، انتخاب منابع ادامه یافت.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش از طریق فیش‌برداری از مبانی نظری و پیشینه‌های مرور شده، اطلاعات، اسناد و مکتوبات به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است که به صورت مرور، استخراج و نقل مفاهیم آموزش صلح هر یک از منابع به طور جداگانه بوده است.

روش جمع‌آوری اطلاعات

روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، روش کتابخانه‌ای بوده است که در تمام تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در بعضی از آن‌ها موضوع تحقیق از نظر روش از آغاز تا انتها متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای است. در تحقیقاتی که ماهیت کتابخانه‌ای دارد تقریباً تمام تلاش محقق در کتابخانه‌ها صورت می‌پذیرد، حتی در تألیف و تصنیفات نیز از این روش یعنی روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود (Hafezniya, 2009, P12).

در این پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات از پایگاه‌های اطلاعاتی، موتورهای جستجوگر، نیز وب‌سایت‌های معتبر و منابع چاپی و دیجیتالی کتابخانه‌های دانشگاهی داخل و خارج کشور جهت دریافت آخرین تحقیقات انجام شده مرتبط در دنیا و نیز مبانی تئوریک به روز و منابع قابل استفاده بهره گرفته شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش روش تحلیل محتوا با استفاده از نظام مقوله‌های قیاسی بوده است کاربرد نظام مقوله‌ای قیاسی چنان است که با نظریه‌های استخراجی وجنبه‌های مختلف تحلیل و مرتبط کردن آن‌ها بامتن سروکار دارد. مراحل کیفی تحلیل شامل تعیین روشمند مقوله در عبارات یک متن است تا طی چند مرحله از تحلیل متن مشخص شود که آن مرحله به چند نحو توصیف می‌شود تعاریف مقوله‌ها، نمونه‌ها و موارد مورد بررسی فرمول‌بندی می‌شوند، سپس مرحله به مرحله کامل و در مراحل تحلیل اصلاح می‌شوند (Mayring, 2006, P10).

بنابراین، به طور کلی ایده اصلی در این روند، فرمول‌بندی معیارهای تعریف شده است که از پیشینه نظری و پرسش تحقیق به دست می‌آید و در این زمینه جنبه‌های متنی موارد مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این معیارها، مواد مورد بررسی مورد توجه قرار می‌گیرند و مقوله‌ها مرحله به مرحله و به طور آزمایشی استخراج می‌شوند. در این حلقه بازگشتی، مقوله‌ها بارها و بارها اصلاح و از تعداد آن‌ها کاسته می‌شود تا تنها مقوله‌های اصلی بمانند و بتوان پایایی آن‌ها را بررسی کرد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش نظام مقوله‌ای قیاسی است که از واحد تحلیل جمله استفاده شده است. در این پژوهش نقطه شروع کار به کارگیری عناصر برنامه درسی کلان است که در حقیقت مدل پیشینی بوده است و پژوهشگر برطبق آن بین جملات مهم به دنبال مطالبی بوده است که در ذیل این عناصر گنجانده شود. به طور کلی می‌توان گفت که همه رویکردهای تحلیل محتوای کیفی از یک فرآیند مشابه پیروی می‌کنند که از دیدگاهی دیگر هفت مرحله را در بر می‌گیرد:

- تنظیم کردن سؤالات تحقیق که باید پاسخ داده شود.
- برگزیدن نمونه موردنظر که باید تحلیل شود.
- مشخص کردن رویکرد تحلیل محتوایی که باید اعمال شود.
- طرح‌ریزی کردن فرآیند رمزگذاری.
- اجراکردن فرآیند رمزگذاری.
- تعیین اعتبار و پایایی.
- تحلیل نتایج حاصل از فرآیند رمز گذاری (Iman&Noshadi, 2012).

روایی و پایایی پژوهش

در این پژوهش برای بررسی روایی از معیار باورپذیری استفاده شده است. پذیرفتنی بودن بر ساخته‌های تحقیق برای سازندگان واقعیت را باورپذیری گویند. به عبارتی فلیک معتقد است که مستدل کردن متن با نقل قول‌های قابل قبول معیار باورپذیری است (Flick, 2012, P340).

لذا پژوهشگر برای افزایش باورپذیری از این استراتژی استفاده کرده است که به طور طولانی مدت حدود دو سال و نیم تحقیقات و داده‌های مختلف مرتبط با پژوهش را مورد بررسی قرار داده است.

در این پژوهش برای بررسی پایایی نیز از معیار اطمینان‌پذیری استفاده شده است. اطمینان-پذیری طی فرآیند حسابرسی و بر اساس همان روش حسابرسی در حوزه امور مالی آزمون می-شود (Flick, 2012, P300).

لذا پژوهشگر به منظور کنترل اطمینان‌پذیری رویه اجرای تحقیق از استراتژی‌های زیر استفاده کرده است: ابتدا منابع مرتبط با موضوع مورد جستجو قرار گرفت و داده‌های خام گردآوری شدند. سپس از طریق خلاصه‌کردن، مفاهیم اولیه از داده‌های خام مرتبط در جدول استخراج شدند. در مرحله بعد، آن مفاهیم مهم کدبندی شده و در جداول جدید دسته بندی شدند، دسته‌های به دست آمده نام‌گذاری شده و مقوله‌های اصلی به دست آمدند. سپس مقوله‌ها با توجه به سؤالات پژوهش به تفکیک در جداول مربوطه جایگزین شدند، در هر مرحله اقدامات انجام گرفته مورد ارزیابی استاد راهنما و اساتید مشاور قرار گرفته و بازبینی انجام شد تا نتایج نهایی به دست آمده و مورد تأیید قرار گرفت. به منظور اطمینان از پایایی مؤلفه‌ها و طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی و اینکه آیا مؤلفه‌ها و طراحی برنامه درسی برای دوره ابتدایی مناسب است؟ این مؤلفه‌ها و عناصر طراحی برنامه درسی به صورت پرسشنامه در اختیار صاحب‌نظران و متخصصان دوره ابتدایی قرار گرفت و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها ضریب پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ محاسبه گردید و به میزان ۰/۸۶ به دست آمد.

بحث و تفسیر یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش شامل پاسخ به سؤالات پژوهش حاضر می‌باشد که در ابتدا مؤلفه‌های آموزش صلح در دوره ابتدایی شناسایی شده، سپس عناصر طراحی برنامه درسی شامل: اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری و تکنیک‌های ارزشیابی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفته است. روش اجرای این پژوهش تحلیل محتوای کیفی با نظام مقوله‌بندی قیاسی و واحد تحلیل نیز جمله بوده است. کلیه منابع مکتوب و دیجیتال در دسترس

مورد مطالعه قرار گرفته و مباحث مربوط به آموزش صلح استخراج شده، سپس مفاهیم استخراجی از جملات مهم و مرتبط با سؤالات پژوهش در جداول کدگذاری گردید. جهت تعیین اعتبار این سطح، مطالب استخراج شده در اختیار متخصصین برنامه‌ریزی درسی و تعلیم و تربیت قرار گرفت تا صحت آن تأیید شود. حال براساس یافته‌های به دست آمده، سؤالات پژوهش، تک تک موردبررسی قرار می‌گیرد.

بحث و تفسیر سؤال اول پژوهش: آموزش صلح در دوره ابتدایی چه مؤلفه‌هایی را در بر می‌گیرد؟ با توجه به سؤال اول پژوهش مؤلفه‌های آموزش صلح در سه سطح دانش صلح، نگرش صلح و توانش صلح ارائه شده است و در جدول مفاهیم مرتبط با سؤال اول پژوهش در مؤلفه دانش صلح، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره مؤلفه دانش صلح شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیر است: حقوق در روابط بین انسان‌ها که خود شامل توجه به حقوق مالکیت‌ها، توجه به حقوق مناسبات بین انسان‌ها، توجه به حقوق خانواده، توجه به حقوق کودکان می‌باشد، توجه به حقوق فردی، توجه به آزادی همگانی و حقوق سیاسی، رشد و توسعه، عدالت اجتماعی، سلامت و زیستگاه، تنوع فرهنگی، محیط زیست. در جدول مفاهیم مرتبط با سؤال اول پژوهش در مؤلفه نگرش صلح، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره مؤلفه نگرش صلح شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیر است: حقوق بشر و دموکراسی، تعاون و انسجام، حفظ آرامش و آشتی طلبی، خود و دیگران، انترناسیونالیسم، حفظ محیط زیست، معنویت، حفظ فرهنگ‌ها. در جدول مفاهیم مرتبط با سؤال اول پژوهش در مؤلفه توانش صلح، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره مؤلفه توانش صلح شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیر است: مهارت‌های فردی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های تفکر.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های Hakimzadeh در سال ۲۰۰۹ در پژوهشی که به تحلیل محتوای کتاب‌های درسی با توجه به مفاهیم کلیدی برنامه آموزش جهانی پرداخته است و مؤلفه‌های آموزش صلح، برابری و حقوق بشر را مورد بررسی قرار داده است، همخوانی دارد، یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش Eslami در سال ۲۰۱۰ نیز که به شناسایی مؤلفه‌های آموزش صلح و همچنین بررسی میزان توجه به این مؤلفه‌ها در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی شهر تهران پرداخته است همخوانی دارد، یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش Shekari&Hajirashidi که در سال ۲۰۱۰ انجام داده‌اند نیز همخوانی دارد، این پژوهشگران به بررسی مؤلفه‌های حقوق بشر و میزان توجه به این مؤلفه‌ها در کتب درسی پرداخته‌اند و به این نتایج دست یافته‌اند که آموزش مفاهیم

حقوق بشر در سه حیطه دانش، نگرش و توانش می‌باشد اما میزان توجه به مفاهیم و مؤلفه‌های حقوق بشر در حیطه طراحی برنامه درسی بسیار کم و می‌توان گفت که اصلاً ارزیابی نشده است، Hashemi & Fallahnodehi نیز هرکدام پژوهشی در سال ۲۰۱۰ انجام داده‌اند و به شناسایی و بررسی مؤلفه‌های آموزش صلح و به دنبال آن به تحلیل محتوای کتب درسی پرداخته‌اند که یافته‌های آن‌ها با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد، هاشمی Hashemi معتقد است که باید مفاهیمی همچون حفظ انسجام ملی و تمامیت ارضی کشور، شناسایی دشمن، آشناساختن یادگیرندگان با سیاست‌های استعماری کشورهای قدرتمند غربی، عدم توازن قدرت و مبادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها در سطح بین‌المللی و مقابله با فتنه و تهاجم دشمنان در کتب درسی مورد بررسی قرارگیرد، فلاح نودهی Fallahnodehi نیز مؤلفه‌های هفت‌گانه آموزش صلح را ارائه داده است که عبارتند از: حقوق بشر و دموکراسی، تعاون و هم‌بستگی، حفظ فرهنگ‌ها، خود و دیگران، جهان وطنی، حفاظت محیط زیست و معنویت، قلتاش Gholtash نیز در سال ۲۰۱۱ پژوهشی انجام داده است که در آن توجه به مؤلفه‌های حقوق بشر را در سه بعد شناختی، عاطفی و عملکردی در کتب درسی مورد بررسی قرار داده است که این یافته‌ها در مورد مؤلفه‌های حقوق بشر نیز با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد، تیغ‌بخش Tighbakhsh در سال ۲۰۱۲ و AbediniBaltork & Mohammadjani نیز هرکدام در سال ۲۰۱۴ به بررسی و شناسایی مؤلفه‌های آموزش جهانی که مؤلفه آموزش صلح نیز یکی از آن مؤلفه‌هاست، پرداخته‌اند و سپس میزان توجه به آن مؤلفه‌ها را در کتب درسی مورد بررسی قرار داده‌اند، یافته‌های تیغ‌بخش Tighbakhsh در مورد مؤلفه آموزش صلح شامل شاخص‌های حس همبستگی، احساس مسئولیت در برابر دیگران، فرهنگ گذشت و بخشش، اهمیت صلح در زندگی انسان‌ها و میزان توجه به آسیب‌های جنگ می‌باشد، محمدجانی Mohammadjani نیز در مورد شاخص‌های آموزش صلح به مفاهیمی چون عفو و بخشش، نبود خشونت و اجتناب از درگیری و دعوا، اهمیت صلح در زندگی انسان‌ها، ایجاد درک مشترک از مفاهیم اساسی حقوق بشر، حق همه افراد در حمایت از قانون به صورت یکسان، پرورش دانش، مهارت و نگرش‌های لازم برای دفاع از حقوق خود و دیگران توجه کرده است، عابدینی AbediniBaltork نیز به بررسی مفاهیمی چون حس همبستگی، فرهنگ گذشت و بخشش، احساس مسئولیت در برابر دیگران، شناخت تنوع و تفاوت‌های فردی، نفی تمایزات قومی، نژادی، مذهبی و دوست داشتن دیگران در کتب درسی پرداخته است که یافته‌های این پژوهشگران نیز در مورد مؤلفه‌های آموزش صلح با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. علی عسکری Aliaskari نیز در همان سال ۲۰۱۴ پژوهشی با عنوان جایگاه حقوق بشر و مؤلفه‌های آن در محتوای کتب درسی دوره ابتدایی انجام داده است که یافته‌های آن درباره مؤلفه‌ها شامل مفاهیمی چون حقوق اساسی، حقوق اجتماعی، حقوق اقتصادی، حقوق فرهنگی، حقوق زیست محیطی، حق دادخواهی

عادلانه و حق مالکیت می‌باشد که این مفاهیم نیز تا حدودی با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد، زینالپور Zeinalpoor در سال ۲۰۱۶ نیز پژوهشی مبتنی بر مفاهیم و مؤلفه‌های حقوق بشر انجام داده است و سپس به تحلیل محتوای متون براساس آن مؤلفه‌ها پرداخته است که یافته‌های آن درباره مؤلفه‌ها شامل مفاهیمی چون اهمیت به موضوع تشکیل حکومت و مشارکت در اداره جامعه، حق آزادی عقیده، حق حیات، حق امنیت اجتماعی، حق مالکیت، حق آزادی و امنیت شخصی، حق آزادی اجتماعی، حق اشتغال به مشاغل عمومی، حق اقلیت‌ها، حقوق زنان و حقوق کودکان می‌باشد که این مفاهیم درباره مؤلفه‌های حقوق بشر نیز با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

بحث و تفسیر سؤال دوم پژوهش: برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ در جدول مفاهیم مرتبط با سؤال دوم پژوهش درباره اهداف برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره اهداف برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیر است: تقویت روحیه سازگاری، تفکر انتقادی و پذیرش آراء دیگران، عشق به صلح، دوستی و هماهنگی، تربیت چندفرهنگی و بین فرهنگی، تقویت احترام، وابستگی متقابل و درک در روابط خود با دیگران، ایجاد روحیه قانون-مداری، افزایش امنیت، آرامش و آشتی‌طلبی، تقویت حس استقلال، اعتماد به نفس و خودپنداره مثبت، تربیت صلح، برابری و عدالت، تربیت محیطی، تقویت روحیه پرسشگری و خلاقیت، تربیت حقوق بشر و مسئولیت‌پذیری، تقویت روحیه تعاون و انسجام، افزایش گفتگوی پایدار و فضیلت-خواهی، رشد و توسعه مهارت‌های زندگی سالم. یافته‌های پژوهش حاضر درباره اهداف آموزش صلح با یافته‌های ذکاوتی Zekavati که در سال ۲۰۱۲ انجام داده است و معتقد است که: هدف آموزش صلح، پرورش انسانی است که بتواند منتقدانه فکر کند و بر اساس دیدگاه انسان‌دوستانه خود نسبت به زندگی برای خلق دنیایی عادلانه با دیگران همکاری کند، مطابقت و همخوانی دارد، یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های لین Lin در سال ۲۰۰۷ که به نقل از بتی راردون در سال ۲۰۰۵ و در پژوهشی با عنوان دگرگونی آموزش برای صلح انجام داده است همخوانی دارد وی معتقد است: هدف از آموزش جهانی باید تربیت شهروندانی باشد که بتوانند صلح را در جهان حاکم سازند، ولی نظام-های آموزشی و مدارس مثلاً نظام آموزشی آمریکا در تربیت شهروندان صلح‌جو کوتاهی نموده و مدارس بیشتر از اینکه خواهان صلح باشند، بیش‌تر خواهان جنگ و خشونت شده‌اند و از آنجا که آموزش و پرورش عامل مهمی برای ایجاد صلح جهانی می‌باشد. بنابراین آموزش و پرورش در قرن حاضر باید به تدریس فرهنگ صلح برای دانش‌آموزان تمرکز نماید و لازم است که آموزش و پرورش

اهداف خود را در راستای هدف‌های مربوط به آگاهی‌های صلح‌جویانه بر اساس دوست داشتن تغییر جهت بدهد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره اهداف آموزش صلح با یافته‌های پژوهش فوجی‌کان Fujikan که در سال ۲۰۰۹ انجام داده است، مبتنی بر این که هدف از آموزش شهروند جهانی آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی در جامعه در حال تغییر و ترویج صلح و توانا ساختن آن‌ها برای پاسخگویی به مسائل مختلف جهانی از جمله تغییرات محیط زیست، رواج خشونت و درگیری‌های بین فرهنگی و منطقه‌ای می‌باشد، نیز تا حدودی همخوانی دارد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره اهداف آموزش صلح با یافته‌های پژوهش ولز Wells در سال ۲۰۱۲ که به نقل از تسنیم ابراهیم در سال ۲۰۱۰ ارائه شده است، نیز همخوانی دارد وی به این نتایج دست یافته است که آموزش صلح یعنی آموزش در راستای همکاری و احترام به فرهنگ‌های متفاوت و دموکراسی. وی معتقد است که لذا به دلایلی می‌توان آن را با تربیت بین‌المللی انسان‌ها ارتباط داد که هدفش همدردی، اهمیت ملاحظه نقطه نظر دیگران، بلوغ در فهم، پذیرش احترام به تفاوت‌ها و سعه صدر است. یافته‌های پژوهش حاضر درباره اهداف آموزش صلح با یافته‌های پژوهش بروک Brock در سال ۲۰۱۲ به نقل از بتی راردون در سال ۲۰۰۸، کارشناس آموزش صلح آمریکا که بیش از صد راهنمای برنامه درسی در مورد صلح از مقطع پیش‌دبستانی تا دبیرستان را تحلیل نموده است، همخوانی دارد. وی بیان می‌کند که بتی راردون در تحقیقات خود به این نتایج دست یافته است که هیچ مرز و روش دقیق و هیچ استانداردی وجود ندارد که مشخص نماید آموزش صلح چه چیزی را در بر می‌گیرد او در تحلیل خود بر روی نه موضوع در رابطه با آموزش صلح مطالعاتی انجام داد و آموزش موضوعاتی مانند هماهنگی، حل تعارضات، عدم خشونت یا عدم تعارض، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، محیط زیست جهانی و فهم چند فرهنگی را به عنوان اجزا سازنده رفتار معرفی کرده است. او همچنین یکی از اهداف آموزش صلح را توسعه و ارتقای آگاهی‌هایی می‌داند که ما را قادر می‌سازد به عنوان شهروندان جهانی عمل نماییم. یافته‌های پژوهش حاضر درباره اهداف آموزش صلح با یافته‌های پژوهشی که International Schools Association در سال ۲۰۱۵ انجام داده است، همخوانی دارد. این انجمن هدف آموزش برای صلح را پرورش شهروندان جهانی فعال با ویژگی‌های زیر می‌داند: آگاهی از وابستگی متقابل انسان‌ها در چارچوب جهانی، مصمم بودن به گسترش صلح، حقوق بشر و دموکراسی، آگاهی از مسئولیت خود در قبال نفس خویش و محیط اجتماعی و فیزیکی خود، داشتن وجدان حساس نسبت به تغییرات فناوری، اجتماعی و پیامدهای احتمالی آن تغییرات، برخورداری از رفتار، استانداردها و عادت‌های کاری که تضمین‌کننده یادگیری در تمام عمر هستند، دارا بودن اعتماد به نفس، استقلال، احترام و نیز تمایل به گرفتن تصمیم‌های عاقلانه و سنجیده.

بحث و تفسیر سؤال سوم پژوهش: برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چه محتوایی را توصیه می‌کند؟ در جدول مفاهیم مرتبط با سؤال سوم پژوهش درباره محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیر است: تقویت حس همبستگی، قانون‌مداری و احساس مسئولیت در برابر دیگران، اهمیت صلح در زندگی انسان‌ها، توجه به پرورش مهارت‌های شخصی، بینش‌های مربوط به مهارت‌های ارتباطی، زیستن صلح‌آمیز، مهارت‌های تفکر و تعقل‌گرایی، سهم فرهنگ‌ها و مسائل فرهنگی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی در گسترش صلح جهانی. یافته‌های پژوهش حاضر درباره محتوای آموزش صلح با یافته‌های درانی Derani که در سال ۲۰۱۱ انجام داده است، همخوانی دارد. وی در بررسی تأثیر مدرسه آینده در آینده‌نگری نظم نوین جهانی یکی از ویژگی‌های برجسته دوران حاضر را تغییرات پرشتاب و گریزناپذیر در همه عرصه‌های زندگی می‌داند، درانی در این پژوهش به این نتیجه رسیده است که نظام آموزش و پرورش به منزله مؤلفه‌ای از دهکده جهانی باید همسو با حرکت جهانی شدن، خود را مهیای آماده‌سازی این انسان‌ها برای زیستن در دنیای امروز و آینده نماید به گونه‌ای که در محتوای کتب درسی مفاهیمی همراه با عدالت، مشارکت اجتماعی، صلح و عدم خشونت ارائه گردد. چراغی Cheraghi نیز در سال ۲۰۱۱ در مقدمه پژوهش خود با عنوان اولین گام برای آموزش حقوق بشر که به سفارش دبیرخانه پروژه آموزش حقوق بشر وزارت آموزش و پرورش انجام داده است در مورد آموزش حقوق بشر معتقد است: آموزش حقوق بشر کمک به مردم برای رشد و تعالی و رسیدن به نقطه‌ای است که حقوق بشر را درک و احساس کنند که این حقوق مهم هستند و باید به آن‌ها احترام گذاشت و از آن‌ها دفاع کرد. بنابراین حقوق بشر و احترام به اصول و مبانی آن از مفاهیمی است که باید در محتوای کتب درسی به آن توجه ویژه‌ای نمایند و یافته‌های پژوهش حاضر نیز با یافته‌های پژوهش چراغی همخوانی دارد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره محتوای آموزش صلح با یافته‌های آدم‌زاده Adamzadeh که در سال ۲۰۱۲ انجام داده است، همخوانی دارد، یافته‌های پژوهش آدم‌زاده نشان می‌دهد که آموزش و پرورش نقش مهمی در متحول ساختن جهان دارد و آموزش و پرورش جهانی باید بیش از پیش مورد توجه قرارگیرد و دانش‌آموزان را که آینده-سازان کشور هستند با مفاهیم عدالت، حقوق بشر و صلح بیش از پیش آشنا سازد و این امر ممکن نیست مگر آنکه در محتوای برنامه‌ها و کتب درسی آن‌ها این مفاهیم گنجانده شود. سید Saed در سال ۲۰۱۲ در پژوهش خود با عنوان حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی به نقل از سازمان ملل در بیانیه ۱۹۸۹ ریشه‌های آموزش جهانی را در جریان‌های تربیتی نظیر آموزش برای صلح جستجو

نموده است که سازمان ملل در بیانیه ۱۹۸۹ آموزش ابتدایی را توصیه نموده و برنامه‌ای را برای تربیت پایه بررسی کرده است که شامل مواردی چون: تربیت حقوق بشر، تربیت صلح، تربیت چند فرهنگی و بین فرهنگی، تربیت محیطی می‌باشد که باید برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی این موارد را مدنظر قرار داده و این موارد را نیز در برنامه‌های درسی مدارس بگنجانند و یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد. یافته‌های پژوهش شادمهر و همکاران Mazarei&Shadfar که در سال ۲۰۱۳ انجام شده است، نشان داده است که آموزش و یادگیری مادام‌العمر و نیز مشارکت در آن، به عنوان یکی از راهکارهای مواجهه با مسئله آموزش در عصر جهانی شدن و ایجاد جهانی به دور از خشونت همراه با صلح، آزادی و عدالت اجتماعی است که با یافته‌های پژوهش حاضر مبتنی بر توجه به این مسائل در محتوای برنامه‌های درسی دوره ابتدایی همخوانی دارد. یافته‌های Galtung در سال ۱۹۸۵ و Sydiaha در سال ۱۹۸۷ نیز مبتنی بر اینکه صلح یک فرآیند نه یک نتیجه است و صلح فرآیندی است که به واسطه آن هیچکسی ضرر نمی‌کند و مجموعه‌ای از مهارت‌ها در زمینه برقراری ارتباط و رعایت قواعد اخلاقی است و باید به آموزش صلح بالاخص در محتوای کتب درسی به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر توجه کرد با یافته‌های پژوهش حاضر درباره محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح همخوانی دارد. علاءالدین Allaadin نیز در سال ۱۹۸۹ در پژوهشی با عنوان «آموزش برای آگاهی جهانی» به این موضوع پرداخته است که دل مشغولی نسبت به آموزش جهانی در محتوای کتاب‌های درسی نمود می‌یابد و مفاهیمی چون صلح بین‌المللی، اشتراکات جهانی، همکاری مشترک انسان‌ها و مطالعات مربوط به سازمان‌های بین‌المللی، به هم پیوستگی مردم جهان و آگاهی در مورد فرهنگ، آداب و رسوم مردم دیگر را از مواردی بر می‌شمارد که باید در زمینه‌های مسائل جهانی مورد توجه قرار گیرد که با یافته‌های پژوهش حاضر نیز درباره محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح همخوانی دارد. توکر Tucke نیز در سال ۲۰۰۰ در پژوهش خود با عنوان ضرورت آموزش جهانی در پاسخ به این سؤال که آیا اصلاً آموزش جهانی باید باشد یا نه؟ نتیجه‌گیری کرده است که تغییرات اساسی جهانی در راهند و مطمئناً ما در سال‌های آتی شاهد مسائل و مشکلات جهانی مختلفی خواهیم بود به همین دلیل دانش‌آموزان ما باید درباره این مسائل و مشکلات آگاهی داشته باشند و لازمه رسیدن به این آگاهی، آموزش جهانی خواهد بود. هدف آموزش جهانی گسترش درک فرد از دنیایش می‌باشد افرادی که آگاهی جهانی دارند چندفرهنگی و فراملیتی بودن شرایط انسان‌ها و مفهوم صلح را درک می‌کنند. دروس باید اطلاعات و دانش درباره سایر نقاط جهانی را در بر گرفته تا دانش‌آموزان بتوانند خودشان و روابطشان با سایر مردم، سایر فرهنگ‌ها و مسائل جهانی را بهتر درک نمایند و لازمه رسیدن به این امر دستیابی به دیدگاهی جهانی می‌باشد که با یافته‌های پژوهش حاضر مبتنی بر محتوای برنامه درسی آموزش صلح همخوانی دارد. سلبی Selbi نیز در سال ۲۰۰۰ در پژوهش خود

با عنوان آموزش جهانی، مدل چهاروجهی مکان، زمان، درونی و بیرونی مسائل را مدنظر قرار داده و مفاهیم کلیدی برنامه‌های درسی را حول محور، قضا و مسائل جهانی مطرح کرده است و آن مفاهیم را در جهت پاسخگویی به چالش‌های عصر جدید بیان کرده است و معتقد است که دانش آموزان باید با مباحث و قضایای مهم جهانی آشنا و درگیر شوند و مسائلی نظیر توسعه، محیط زیست، برابری نژادی و جنسی، بهداشت، رفع نزاع و صلح به لحاظ مرحله رشد عقلانی/عاطفی و نیز نیازهای دانش‌آموزان باید به آن‌ها آموزش داده شود. این مسائل به یک درس یا موضوع درسی و کلاس ویژه اختصاص نداشته و در سطوح مختلف و در درس‌های گوناگون می‌توانند جایگزین شوند که با یافته‌های پژوهش حاضر مبتنی بر محتوای برنامه درسی آموزش صلح همخوانی دارد. کیرک وود Kirk wood نیز در سال ۲۰۰۱ بیان می‌کند که هانوی ۱۹۷۶ برای رسیدن به فهم دیدگاهی جهانی ابعادی را مطرح می‌کند که دانش‌آموز را برای دستیابی به آگاهی جهانی آماده می‌کند. این ابعاد شامل آگاهی دیدگاهی، آگاهی از وضع کره زمین، آگاهی از فرهنگ‌های مختلف و آگاهی از تغییرات جهانی می‌باشند. برای رسیدن به اولین بعد دانش‌آموزان باید دیدگاه‌های سایر مردم را درک نمایند بعد دوم یعنی آگاهی از وضع کره زمین نیازمند درک شرایط جهان و مسائل جهانی مانند رشد جمعیت، کمبود منابع، عدم صلح، ایجاد خشونت و درگیری‌های داخلی و خارجی می‌باشد و لازم است که دانش‌آموزان از دنیای اطرافشان آگاهی داشته باشند در بعد سوم هانوی معتقد است ارتباط مداوم با فرهنگ‌های دیگر فاصله‌های فرهنگی را کم می‌کند. برای داشتن آگاهی از تغییرات جهانی فرد باید دنیا را به صورت سیستمی به هم مرتبط از مکانیزم‌های پیچیده و نتایج غیر قابل پیش‌بینی بشناسد و آگاهی عمیق دانش‌آموزان از این مسائل ممکن نیست مگر آنکه این موارد در برنامه‌های درسی گنجانده شود. بنابراین یافته‌های پژوهش کیرک وود Kirk wood با یافته‌های پژوهش حاضر مبتنی بر محتوای برنامه درسی آموزش صلح همخوانی دارد. تی Tye در سال ۲۰۰۳ در پژوهشی با عنوان جهانی شدن و آموزش جهانی برای تربیت شهروندان جهان به تأکید بر اهمیت بر برنامه‌های درسی جهان‌نگر به مطالعه در مورد برنامه‌های درسی در ۵۲ کشور جهان پرداخت و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به قضایای مشترک جهانی مواردی که بیشتر مورد توجه بوده است شامل: محیط زیست، توسعه، ارتباطات بین فرهنگی، صلح و حقوق بشر، جمعیت، بهداشت (ایدز) و تبعیض نژادی می‌باشد که باید در محتوای کتب درسی لحاظ شود و این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش حاضر مبتنی بر محتوای برنامه درسی آموزش صلح همخوانی دارد. مسدناد Macdonald در سال ۲۰۰۷ در پژوهشی با عنوان رویکردهای سنتی به آموزش شهروندی، جهانی‌شدن به طرف یک چهارچوب برای آموزش صلح اشاره کرده است که آموزش شهروندی در قلمرو مطالعات اجتماعی باید دانش‌آموزان را به نقش‌نگرش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و حالات رفتاری مناسب مجهز کند تا آنان قادر باشند به صورت فعال و آگاهانه با چالش‌های قرن ۲۱

مواجه شوند. محقق نتیجه گرفته است که در چهارچوب چشم‌انداز آموزش صلح جهانی باید پنج موضوع اساسی مورد توجه قرار گیرد و در برنامه‌های درسی در نظر گرفته شود که این موضوعات شامل: درک هویت، حقوق و برخوردها، مسئولیت‌ها، تکالیف و تعهدات، مشارکت و فعالیت امور عمومی، ارزش‌های اجتماعی و یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش حاضر مبتنی بر محتوای برنامه درسی آموزش صلح همخوانی دارد. Pears در سال ۲۰۰۸ در پژوهشی با عنوان «آموزش حقوق بشر» با نگرش جهانی به این موضوع پرداخته است که نکته کلیدی تعریف آموزش حقوق بشر در هدف نهفته است یعنی توسعه فرهنگ حقوق بشر که به روش و محتوای خاصی محدود نمی‌شود یکی از بهترین راه‌های ترویج حقوق بشر و احترام به آزادی‌های اساسی، درونی ساختن و نهادینه کردن ارزش‌ها و اصول حقوق بشر است که به منظور تحقق یافتن آن آموزش حقوق بشر ضروری می‌باشد و اولین مرحله در جهت درک بهتر حقوق بشر گنجاندن آن در برنامه درسی در سطوح مختلف آموزشی به ویژه دوره ابتدایی می‌باشد که یافته‌های پیرس با یافته‌های محقق در پژوهش حاضر درباره محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح همخوانی دارد. Trilo نیز در سال ۲۰۰۸ در پژوهشی با عنوان آموزش برای شهروندی جهانی و دیدگاه‌های جهانی در تدریس اذعان می‌دارد که با وجود ارتباطات در جهان کنونی و پدیده‌های مشترک جهانی مانند نازک شدن لایه ازن، فقط تعداد کمی از دانش‌آموزان خود را در دنیای به هم وابسته می‌بینند به همین جهت این پژوهش آگاه‌سازی معلمان از وجود یک دیدگاه جهانی در برنامه درسی و فهمیدن آن می‌باشد ولی هدف نهایی آن توانمند کردن دانش‌آموزان و درگیر کردن آن‌ها با این مسائل در برنامه‌های درسی می‌باشد تا بتوانند دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها، صلح، عدالت اجتماعی و رفتارهای مطابق با شهروند جهانی را کسب نمایند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های محقق در پژوهش حاضر درباره محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح همخوانی دارد. مارشال Marshall در سال ۲۰۰۹ در پژوهشی با عنوان «بازبینی کتاب آموزش جهانی به منظور آگاهی جهانی» به بررسی آموزش صلح می‌پردازد و ابعاد کلیدی شهروند جهانی را وابستگی افراد به یکدیگر، عدالت اجتماعی و نیز شاخص‌هایی مانند حمایت از تفکر بوم‌شناختی اجتماعی، تنوع فرهنگی و آموزش صلح می‌داند که باید محتوای کتب درسی درباره این مسائل در صورت لزوم مورد بازبینی قرار گیرد که یافته‌های پژوهش مارشال Marshall با یافته‌های محقق در پژوهش حاضر درباره محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح همخوانی دارد. آچه Acheh نیز در سال ۲۰۱۲ در پژوهش خود با عنوان «برنامه درسی آموزش صلح، برنامه‌ای صحیح» به بررسی مفاهیم حقوق بشر و مسئولیت‌پذیری جوامع درباره انسان‌ها، ما متفاوت هستیم اما مشابه، تضادها و ما، مدیریت متضاد، نقش‌های اجتماعی ما، قوانین قضاوت و احترام، نمودار صلح، صلح اجتماعی، قضاوت اجتماعی، قضاوت‌های اقتصادی، راه-های سعه‌صدر و عشق به صلح پرداخته است. وی معتقد است که این مسائل باید در برنامه‌های

درسی به ویژه دوره ابتدایی مدنظر قرار گیرد. بنابراین یافته‌های پژوهش آچه Acheh با یافته‌های محقق در پژوهش حاضر درباره محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح همخوانی دارد. آلیسون و همکاران Power & Allison در سال ۲۰۱۲ در پژوهشی با عنوان «فهم حقوق بشر» معتقدند کتاب‌های درسی باید نقش مهمی در زمینه حقوق بشر، صلح و عدالت ایفا کند آنچه که واضح است کتاب‌های درسی باید بازتاب مسائل اجتماعی و فردی باشد تا دانش‌آموزان در فرآیند نهادینه‌شدن شخصیتشان از وظایف و مسئولیت‌های خودآگاهی یابند. یافته‌های پژوهش آلیسون Power & Allison با یافته‌های محقق در پژوهش حاضر مبتنی بر محتوای برنامه درسی آموزش صلح همخوانی دارد.

بحث و تفسیر سؤال چهارم پژوهش: راهبردهای یاددهی-یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چیست؟ در جدول مفاهیم مرتبط با سؤال چهارم پژوهش درباره راهبردهای یاددهی-یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره راهبردهای یاددهی-یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیر است: ایجاد جو قابل اعتماد، بدون تهدید و تنبیه، استفاده از روش‌های مبتنی بر همکاری همراه با ابتکار و خلاقیت، استفاده از روش چگونگی یادگیری به جای یاد دادن و با یادگیری مادام‌العمر، طراحی نمایش و ساخت ماکت، عضویت در گروه‌های همکاری و فعالیت‌های فوق‌برنامه و آشنایی با نقش‌های اجرایی، استفاده از روش‌های مشاهده و گردش علمی، استفاده از رویکرد ساختارگرایانه و درک تجربیات دانش‌آموزان، استفاده از روش بحث و پژوهش، تنوع و انعطاف‌پذیری و مبتنی بر احترام در تدریس، ایجاد موقعیت‌های ابهام انگیز، پرتحمل، پذیرا و حمایتگر آموزشی، گنجاندن فعالیت‌های مناسب آموزشی با موضوعات صلح و همراه با خلاقیت، استفاده از تکنیک‌های تقویت مهارت‌های بیانی و گوش دادن فعالانه به دور از تعصب، استفاده از تکنیک‌های پرسشگری همراه با درک حقیقت و استدلال، استفاده از روش‌های مبتنی بر همدردی، دلسوزی و رعایت عدالت و ترویج آن (برنامه درسی پنهان). یونسکو Unesco در سال ۲۰۱۴ در پژوهشی با عنوان «یادگیری راه‌های صلح، راهنمای معلم برای آموزش صلح» به بررسی مفاهیم آموزش صلح، راه‌های صلح، طراحی برنامه‌ها، تمرین‌هایی که مدارس را مکانی برای صلح می‌سازد، مدل‌هایی برای آموزش صلح، کشف فعالیت‌هایی برای یادگیری صلح، یادگیری برای دوست داشتن یکدیگر، ساختمان صلح در جوامع و کشورها، ارزیابی صلح در مدارس، روش‌های صلح و آموزگار صلح می‌پردازد که یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش حاضر مبتنی بر راهبردهای یاددهی-یادگیری آموزش صلح همخوانی دارد. جاگیر Jager نیز در سال ۲۰۱۵ در

پژوهش خود با عنوان «آموزش صلح و تغییر شکل متضاد» به بررسی مفاهیم پایه مکان یادگیری برای صلح، فرآیندهای یادگیری، مکان یادگیری و تنظیمات یادگیری، صلح به عنوان ارزش جهت گیری شده، گروه‌های هدف برای آموزش صلح، نگرش اجتماعی و مفاهیم زمینه‌ای برای صلح، آموزش صحیح و اصولی و آموزش صلح ساختاری می‌پردازد که یافته‌های پژوهش جاگیر نیز با یافته‌های محقق در پژوهش حاضر مبتنی بر راهبردهای یاددهی - یادگیری آموزش صلح همخوانی دارد.

بحث و تفسیر سؤال پنجم پژوهش: تکنیک‌های ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چیست؟ در جدول مفاهیم مرتبط با سؤال پنجم پژوهش درباره تکنیک‌های ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره تکنیک‌های ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیر است: ارزیابی رفتار فراگیران در موقعیت‌های ساختگی و تشویق فراگیران به تأمل و یادگیری از اشتباهاتشان، تشویق فراگیران به نقد فیلم‌های آموزشی مبتنی بر صلح و ارزیابی آن‌ها، استفاده از هنر در ارزشیابی، آموزش و ارزیابی چگونگی کارگروهی، تعاون و سایر رفتارها و فاکتورهای مبتنی بر صلح در گردش های علمی و کلاس درس، طرح سؤال‌ها و داستان‌های مبتنی بر صلح و جستجوی راه‌حل‌های صلح‌جویانه برای حل آن‌ها یافته‌های محقق در پژوهش حاضر مبتنی بر تکنیک‌های ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی با یافته‌های پژوهش یونسکو Unesco که در سال ۲۰۱۵ انجام داده است و به بررسی مفاهیم آموزش صلح، راه‌های صلح، طراحی برنامه‌ها، تمرین‌هایی که مدارس را مکانی برای صلح می‌سازد، مدل‌هایی برای آموزش صلح، کشف فعالیت‌هایی برای یادگیری صلح، یادگیری برای دوست داشتن یکدیگر، ساختمان صلح در جوامع و کشورها، ارزیابی صلح در مدارس، روش‌های صلح و آموزگار صلح پرداخته است، همخوانی دارد.

جمع‌بندی

آموزش برای صلح را می‌توان یک مدل مفهومی دانست که مدارس می‌توانند با استفاده از آن برنامه‌ای مبتنی بر انتقال ارزش‌های جهانی، رفتارهای پایدار و ایجاد مهارت‌ها بسازند که دانش آموزان ما را قادر خواهد ساخت به شهروندان فعال جهانی تبدیل شوند و از آن جایی که آموزش و پرورش فرآیندی است که برای تغییر و تعدیل رفتار فراگیران تلاش می‌کند و برای تحقق هدف‌های مشخص به فعالیت می‌پردازد، در این عرصه پهناور عوامل گوناگونی اثرگذار است که در این میان نقش اساسی بر عهده برنامه درسی و طراحان برنامه درسی است که عناصر اصلی آن شامل اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، روش‌ها و تکنیک‌های ارزشیابی می‌باشد. هدف از آموزش

برای صلح را می‌توان پرورش شهروندان جهانی فعال با ویژگی‌هایی شامل: آگاهی از وابستگی متقابل انسان‌ها در چارچوب جهانی، مصمم بودن به گسترش صلح، حقوق بشر و دموکراسی، آگاهی از مسئولیت خود در قبال نفس خویش و محیط اجتماعی و فیزیکی خود، داشتن وجدان حساس نسبت به تغییرات فناوری، اجتماعی و پیامدهای احتمالی آن تغییرات، برخورداری از رفتار، استانداردها و عادات‌های کاری که تضمین‌کننده یادگیری در تمام عمر هستند، دارا بودن اعتماد به نفس، استقلال و احترام و نیز تمایل به گرفتن تصمیم‌های عاقلانه و سنجیده دانست. برنامه آموزش برای صلح را می‌توان به روش‌های گوناگون در برنامه درسی گنجاند. این روش‌ها در بسیاری از سیستم‌های ملی آموزش و بسیاری از مدارس مستقل در تمام جهان نیز رایج هستند. از جمله مهم‌ترین این روش‌ها، تجربیات زیسته دانش‌آموزان را مدنظر قرار می‌دهد و مروج رویکرد ساختارگرایانه نیز هست. در این روش معلمان متوجه هستند که دانش‌آموزان با خود یک دانش اولیه را به هر موقعیت یادگیری می‌آورند و به واسطه فعالیت‌هایی که معلم آن‌ها را طراحی کرده در برنامه درسی درگیر می‌شوند، دانش‌آموزان با درک تجربیات خود به ساختن معنی مبادرت می‌کنند، این فرآیند را باید به صورت یک فرآیند چرخشی در نظر گرفت. به عنوان بخشی از فرآیند ساخت معنی توسط یادگیرندگان باید به آن‌ها فرصت تعمق درباره آنچه فرا می‌گیرند، داده شود، با درونی شدن این فرآیند انتظار می‌رود که دانش‌آموزان به آنچه یاد می‌گیرند عمل نیز بنمایند. ارزشیابی و روش‌های آن نیز از جمله عناصر اساسی برنامه درسی است. بنابراین نیاز به ارزیابی دانش‌آموزان برای تبدیل شدن به شهروندان فعال جهانی برای موفقیت برنامه آموزش برای صلح اهمیت کلیدی دارد. آموزش برای صلح در حیطه یادگیری عاطفی به ظهور می‌رسد که اندازه‌گیری صددرد کمی آن ممکن نیست از این‌رو ارزیابی کارآمدی برنامه آموزش برای صلح در آموزش دانش‌آموزان و جامعه مدرسه به طور کلی می‌تواند از روی وجود شاخص‌هایی که توسط انجمن‌های بین‌المللی، یونسکو و پژوهشگران مختلف صورت می‌گیرد انجام شود و از آنجا که هیچکسی نمی‌تواند منکر اهمیت یک جهان سالم‌تر، با آرامش‌تر و صلح‌پذیرتر باشد، چنین جهانی به دست نخواهد آمد مگر این که اذهان انسان از همان سنین کودکی و نوجوانی از هرگونه خشونت، بیزاری و نفرت مبرا شود. بنابراین مدارس باید از همان دوران کودکی و نوجوانی از هر فرصتی برای ارائه چنین آموزش‌هایی استفاده نمایند.

پیشنهاد‌های کاربردی تحقیق

- با توجه به سؤال اول پژوهش مبنی بر اینکه آموزش صلح در دوره ابتدایی چه مؤلفه‌هایی را در بر می‌گیرد؟! که یافته‌های آن بر پایه سه مؤلفه دانش صلح، نگرش صلح و توانش صلح می‌باشد،

توصیه می‌شود که سازمان تدوین کتب درسی آموزش صلح را به دلیل اهمیت بسیار به عنوان یک واحد درسی در بین واحدهای درسی مورد مطالعه در مدارس در نظر گرفته و مؤلفه‌های آن را در برنامه‌های درسی مدارس بالاخص کتب درسی بگنجانند.

- باتوجه به سؤالات دوم، سوم، چهارم و پنجم پژوهش توصیه می‌شود که طراحان برنامه درسی، برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران مسائل آموزشی و تدوین کتب درسی به گسترش شیوه‌های خلاقانه و خط‌مشی‌های نوگرایانه در راستای آموزش مؤلفه‌های صلح اقدام کرده و اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری و تکنیک‌های ارزشیابی مبتنی بر آموزش صلح را که چهار عنصر اصلی در برنامه درسی آموزش صلح می‌باشند، بیش از پیش مدنظر قرار دهند و به ایجاد برابری آموزشی در راستای آموزش جهانی کمک نمایند و نیز با تشکیل اتحادیه از مراکز آموزشی-تحقیقاتی و همکاری نزدیک و متقابل فرهنگی با یکدیگر در راستای صلح جهانی قدم‌های بیشتری بردارند و به بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی و نگرستن به عنوان شهروند جهانی و ترویج فرهنگ شهروند جهانی در راستای صلح، همبستگی، عدالت، امنیت، آرامش، همدردی، همدلی، همزبانی و سایر ریزفاکتورهای صلح کمک نمایند.

- به نظام‌های تربیت معلم و دانشگاه فرهنگیان به عنوان اولین و مهم‌ترین مکان تعلیم و تربیت توصیه می‌شود که بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش، تأثیرگذارترین قشر در تربیت یعنی مربیان و معلمان را با مباحث آموزش صلح نه به صورت محتوای پراکنده بلکه به صورت طراحی دوره‌های درسی اجباری و تخصصی به طور دقیق و کاربردی آگاهی بخشند.

پیشنهادهای پژوهشی تحقیق

- طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره دبیرستان و نیز آموزش عالی، یک مطالعه کیفی.

- طراحی برنامه درسی مبتنی بر فرهنگ صلح در دوره‌های مختلف تحصیلی، یک مطالعه کیفی.

- بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های آموزش صلح در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی.

References

- Abedini M.2014. The Study and Analysis of Peace Education Components in The TextBooks of Elementary System:Seasonal Journal of Sciences Education inAhvaz University,6, P:170.
- Acheh B. 2012.Peace Education Program Director :Unesco Publication ,92.
- Adamzadeh F.2012.The Effect of Globalization onThe Education:Ministry of Foreign Affairs Publication,830.

- Allaadin I. 1989. Teaching for Global Awareness. ATA Magazine, Pp:8-9.
- Aliaskary M.2014. The Study and Analysis of Human Rights Components in The TextBooks of Elementary System:Seasonal Journal of Theory and Action,1, Pp:147-168.
- Bayer P, Staley S. 2003. Teaching Peace in a Violent World. ACEI Representatives to the UN.
- Brock-Utne B. 2012 . Peace Education in an Era of Globalization ,Peace Review, Pp: 131-138.
- Cheraghi KH.2011.The first Steps of Education for Human Rights:Shora Publication ,150.
- Christie P. 2010. the Complexity of Human Rights in Global Times:the Case of the Right to Education in South Africa. International Journal of Educational Development, 30(1), 3-11.
- Derani K.2011. The Study toEffect of Future School in toVersify of World:Ministry of Foreign Affairs Publication, Pp:295-300.
- Eman M,Noshadi M.2012.Qualitative Content analysis:Tow Seasonal Journal of Emam Khomeini,44, Pp:2-15.
- Eslami M.2010.The Study to Consider of Peace Education in The Planning of Elementary System:Seasonal Journal of to Change for aNew Education,25, Pp:50-77.
- Fallahnodehi M.2010. The Study and Analysis of Peace Education Components in Unesco:Seasonal Journal of Daneshvar ,Shahed University,36, Pp:55-68.
- Flick U.2014.An Introduction to Qualitative Reasearch 3rd ed ,2006,To Translate:Hadi Jalili: Nei Publication ,492.
- Flowers N. 2010. the Human Rights Education Handbook: Effective Practices for Learning, Action, and Change. Human Rights Education Series, Topic Book. Human Rights Resource Center, University of Minnesota, 229 19th Avenue South, Room 439, Minneapolis, MN 55455.
- Freeman M. 2011. Human Rights: an Interdisciplinary Approach. Polity.
- Fujikan H. 2009. Approaches to Global Education in the United States, the United Kingdom and Japan, International Review of Education, Kluwer Academic Publishers.
- Galtung J. 1985.Twenty Five Years of Peace Reasearch Journal of Peace Reasearch.22(2).
- Hendrickson J A. 1999. an Interpretive Study of the Meaning of Peace Education, Unpublished Ph.D Dissertation, Arizona State University.
- Gholtash A.2011. The Study to Consider of Human Rights Components in The TextBooks: Seasonal Journal of Educational Sciences and Psychologyin The Islamic Azad University Tonkabon ,3, Pp:58-67.
- Hafezniya M.2010.Introduction on the Reasearch Method in Human Sciences :Samt Publication ,302.
- Hakimzadeh R.2009.Content analysis TextBooks on the Bace Globalization in the Planning: Seasonal Journal of Studying Planning,5, Pp:27-54.
- Hashemi S.2010. Content Analysis TextBooks on The Baced Peace Education Components:Seasonal Journal of Studying Planning,15, Pp:83-104.

- Homan HA.2011.A Practical Guide for Qualitative Reasearch: Samt Publication ,181.
- International Schools Association.2015.Education for Peace-A Curriculum Frame Work K-12:ISA,30 p.
- Jager U. 2015.Peace Education and Conflict Transformation : Berghof Fondation ,230.
- Kirk wood T. 2001. Our Global Age Requires Global Education: Clarifying De finitional Ambiguities, the Social Studies.
- Lin J. 2007. Love, Peace and Wisdom in Education: Trans Forming Education for Peace, Marvard Education Review : Academic Research Library.
- Macdonald L G. 2007. Traditional Approaches Tocitizen Education, Globalization, to Wards Peace Education Frame Work Canada: House University.
- Mac Farland S.2003.a Model for peace Education:Montesori life. 11
- Marshall H. 2009.Book Review:Educating Citizens for Global Awareness:Journal of Reasearch in International ,Edu.Sage Pub;pp.235-238
- Mayring P.2006.Qualitative Content Analysis.Available,from :http://qualitive - Research.net /fqs-e/200inhalt-e,htm.about15pAccessed on :10 june 2006.
- Mazarei U,Shadfar H.2013. The Study of Education and Learning on the BacedGlobalization : Seasonal Journal of Cultural Engineering,37,38, Pp:1-10.
- Mohammadjani F.2014. The Study and Analysis of Global Education Components in TheTextBooks of Elementary System, A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Phd in Educational Sciences Islamic Azad University Khorasgan Branch Faculty of Educational Sciences and Psychology.
- Pearse S. 2008. European Teachers Seminar on Human Rights Education in a Global perspective. Strasbourg, Austria: Council of Europe.
- Power S, Allison G. (Eds.). 2012. Realizing Human Rights: Moving from Inspiration to Impact. Palgrave Macmillan .
- Reardon B. 2000. Response: Needs in Peace Education Development Identified by Glass.InD. Sloan (Ed), Teachers College Recor, No. 84, Pp: 237-239.
- Saed A.2012. Human Rights,Peace and International Security:Majd Publication ,250.
- Selby D. 2000. Global as Transformative Education. ZEP23. jg. Heft 3. Pp: 3- 9.
- Shekari A,Hajirashidi R.2010. The Study to Consider of Human Rights Components in Curriculum Planning of
- Pp:7-51.
- Sunds S. 1993.Education for peace and International Undrestanding, Paper from Omep International Seminar,Mosscow,Russia.
- Sydiaha J. 1987.Spirt of Coyote Women in W. Needham (Ed). Women and Peace Halifax,Ns:Voice of Women.
- Tighbakhsh S.2012. Content Analysis of Social Study of Guidance Curriculum Based on the Globalization Components: A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of M.Sc in Educational Sciences Islamic Azad University Khorasgan Branch Faculty of Educational Sciences and Psychology.

- Triolo R. 2008. Civics and Citizenship Education, Monash University, Proquest Education Journals.
- Tucker J. 2000. Global Education Is ESS Entail to SeCondary School Social Studies, Available from: <http://bul.sagepub.com>.
- Tye K. 2003. Clobalizing Global Education to Nurture World Citizens, Published at P.O Box 789, Bloomington..
- Unesco. 2010. Preliminary Consolidated Report to the United Nation on a Culture of Peace, Available from: <http://www.Unesco.org>.
- Unesco. 2014. Learning the Way of Peace aTeachers Guides to Peace Education :Publication Unesco,244.
- Wells R. 2012. the Global and the Multicultural Opportunities:Challenges and Suggestion for Teacher Education .Multicultural Perspectives ,10(3),142-149.
- Zeinalpoor H.2016. . Content Analysis Text Books of Social Study on the Bace Human Rights: Seasonal Journal of The Reasearch in Curriculum Planning,18, Pp:42-53.
- Zekavati A.2012.The Peace Education:Noroz Publication ,120.

Archive of SID